

DINOSAUR STORIES Volume 3



Stegosaurus The thoughtful surprise

Illustrated by Barbara Bakos

استگوسوروس غافلگیری متفکرانه

سرشناسه: ویچ، کاترین Veitch, Catherine

عنوان و نام پدیدآور: استگوسوروس: غافلگیری متفکرانه / نویسندگان کاترین ویچ، فرن برومیچ؛ ترجمه: الناز اسماعیلی. مشخصات نشر: تهران: خانه کاغذی، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۳۲ ص. مصور (رنگی). ۱۷×۲۴ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۶۶-۸۰-۱ / ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۶۶-۸۳-۲ دوره: شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۶۶-۸۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: زبان: انگلیسی - فارسی.

یادداشت: عنوان اصلی: Stegosaurus The thoughtful surprise.

یادداشت: مخاطب: ۹+ نونهال. موضوع: دایناسورها -- داستان - Fiction -- Dinosaurs

غافلگیری -- داستان - Fiction -- Surprise

شناسه افزوده: برومیچ، فران. شناسه افزوده: Bromage, Fran

شناسه افزوده: اسماعیلی، الناز، ۱۳۶۲ - مترجم

رده بندی دیویی: ۱۵۵۶۷/۹. شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۲۳۰۸۵. اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

Stegosaurus

The thoughtful surprise

Say hello to the dinosaurs in this story!

Stegosaurus

(say *STEG-oh-SORE-us*)

(بگو: استِگ-او-سور-اوس)

Apatosaurus

(say *ah-PAT-oh-SORE-us*)

(بگو: آ-پات-او-سور-اوس)

Juravenator

(say *ju-rah-ve-nay-tor*)

(بگو: ژو-را-و-نی-تور)

Compsognathus

(say *komp-sog-NATH-us*)

(بگو: کامپ-سوغ-نات-اوس)

Torvosaurus

(say *TOR-voh-SORE-us*)

(بگو: تور-وو-سور-اوس)

Also featuring: Archaeopteryx

(say *ar-kee-OP-tuh-rix*)

(بگو: آر-کی-آپ-ت-ریکس)

به دایناسورهای این داستان سلام کن!



Stegosaurus

استِگوسوروس



Torvosaurus

تور ووسوروس

Compsognathus

کامپسوگنا توس



Archaeopteryx

آرکیئوپتریکس



Juravenator

ژورا ونا تور

Apatosaurus

آپاتوسوروس

There was once a **Stegosaurus** called **Sonny**, who lived with his family near a swamp.

The family used to live in the forest, but a mean **Torvosaurus** chased them from their cave.

روزی روزگاری، یک استِگوسوروس، به اسم سانی بود که همراه خانواده‌اش نزدیک یک مرداب زندگی می‌کرد. خانواده قبلاً در جنگل زندگی می‌کردند، اما یک تورووسوروس بدجنس، آن‌ها را از غارشان فراری داد.

Sonny tried not to make a fuss about moving to a new cave, but he really missed his old home.

سانی، سعی کرد درباره‌ی جابه‌جایی به غار جدید جنجال راه نیندازد، اما واقعاً دلش برای خانه‌ی قدیمی‌اش تنگ شده بود.





Sonny was often so lost in his own thoughts, he didn't look Where he was going.

"Be careful!" shouted an angry Compsognathus, as Sonny almost flattened him.

سانی، اغلب آن قدر در افکارِ خودش غرق بود
که نگاه نمی کرد به کُجا می رود.

یک کامپسوگناتوسِ عصبانی فریاد زد:
«مواظب باش!» چون سانی نزدیک بود او را له کند!